

Comparing the Frequency of Drawing Characteristics of Children with Bad Parenting and Normal Children aged 5-11 based on Draw-A-Family Test

مقایسه فراوانی ویژگی‌های ترسیمی کودکان بدسرپرست با کودکان عادی ۵ تا ۱۱ سال بر اساس آزمون ترسیم خانواده

Shahnaz Gili. M.A.

Psychology, Islamic Azad University of Roudehen

Kianoush Hashemian. Ph.D.

Psychology, Islamic Azad University of Roudehen

Shahla Pakdaman. Ph.D.

Psychology, Shahid Beheshti University

Khadijeh Abolmali. Ph.D.

Psychology, Islamic Azad University of Roudehen

شهناز گیلی*

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

کیانوش هاشمیان

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

شهلا پاکدامن

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

خدیجه ابوالمعالی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

Abstract

چکیده

The present research aimed to compare frequency of drawing characteristics of children aged 5-11, who were experiencing bad parenting and children experiencing normal parenting according to Corman Family Drawing Test. The research was causal-comparitive. The children under bad parenting (15 girls and 15 boys) were randomly selected from Tehran's charities in zone one and children with normal parenting (15 girls and 15 boys) were randomly selected from preschools and conditions primary schools in the same zone to better match the participants economic and cultural. The research instrument was Corman Family Drawing Test (Corman, 1964). The drawings of children were compared in the indicators of elimination of parents, conscious identification, drawing dynamics (intellectual-sensory form), the first drawn person, and levels of graphical extension (pale-bold). To analyze the data chi square test was used. The results demonstrated that there was a significant difference ($P < 0.01$) between the types of parenting and the frequency in drawing of first drawn person, complete elimination, conscious identification and drawing dynamics (intellectual-sensory form). There was no significant difference between type of parenting and levels of graphical extension (pale-bold). Finally, the results of this study showed that there was difference between the two groups of children in valuation and devaluation.

هدف این پژوهش مقایسه فراوانی ویژگی‌های ترسیمی کودکان بدسرپرست با کودکان عادی ۵ تا ۱۱ سال، بر اساس آزمون ترسیم خانواده کرمین است. پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. کودکان بدسرپرست (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) به صورت تصادفی از میان خیریه‌های منطقه یک تهران انتخاب شدند و کودکان دارای والدین عادی (۱۵ پسر و ۱۵ دختر) نیز به صورت تصادفی از پیش دبستانی‌ها و دبستان‌های همان منطقه انتخاب شدند تا شرکت کنندگان از نظر اقتصادی و فرهنگی بهتر هم‌تا شوند. ابزار پژوهش شامل آزمون ترسیم خانواده مدل کرمین (کرمین، ۱۹۶۴) بود. مقایسه ترسیم کودکان در شاخص‌های: «حذف والدین»، «همسان‌سازی هشیار»، «پویایی ترسیم» (ریخت حسی - تعقلی)، «اولین شخص ترسیم شده» و «سطح ترسیمی خطوط کمرنگ و پررنگ» صورت گرفت. در این پژوهش از روش آماری «خی دو» استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین نوع سرپرستی و فراوانی ترسیم اولین شخص ترسیم شده، حذف کامل، همسان‌سازی هشیار و پویایی ترسیم (ریخت حسی - تعقلی) تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). بین نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (کمرنگ - پررنگ) این تفاوت دیده نشد. نتیجه حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ارزش‌سازی و نازلنده‌سازی در کودکان بدسرپرست و کودکان عادی تفاوت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کودکان بدسرپرست، کودکان عادی، ویژگی‌های ترسیمی، آزمون ترسیم خانواده.

Keywords: bad parenting, normal parenting, drawing characteristics, family drawing test.

مقدمه

کمک آن می‌توان به بسیاری از تعارضات، گرایش‌های ناخودآگاه، ساز و کارهای دفاعی و اختلالات شخصیت کودکان پی برد و رابطه این اختلالات با نقش خانواده در ایجاد این اختلالات را تشخیص داد.

نابسامانی خانوادگی، کمبودهای آموزشی و پرورشی و بهداشتی، جابه‌جایی بی‌رویه، فقر و اعتیاد، پرخاشگری و افسردگی ناشی از غیبت و فقدان سرپرست در بسیاری از خانواده‌ها و بسیاری از عوامل مهم دیگر باعث می‌شود، اختلالات عاطفی و رفتاری کودکان وسعت بی‌سابقه‌ای پیدا کند. بنابراین در شرایط فعلی و با توجه به این مسائل، لزوم توجه هرچه بیشتر به کودکان، بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شود (اکبری، ۱۳۸۴).

از نظر کودکان، از هم پاشیده شدن خانواده، پایان یافتن دنیای آنها است. اختلافات خانوادگی مسائلی است که نه فقط کانون امن خانواده را درهم می‌ریزد و سلامت جسمی و روحی کودکان را مختل می‌کند، بلکه نظم و امنیت اجتماعی را نیز به شدت تهدید می‌کند (شاو، وینسلو و فلاننگان^۱، ۲۰۰۶).

کودکان در مسیر خودشکوفایی و تعالی با دو مانع جدی روبه‌رو هستند. نخست فقدان والدین و یا یکی از آنها و به اصطلاح داغ‌دیدگی^{۱۱} و دیگری بدرفتاری والدین که به جدا شدن کودک از والدین و به سر بردن در مراکز شبانه‌روزی منجر می‌شود. فقدان پدر و مادر به هر علت که باشد بر نحوه رشد اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد. کودک بی‌سرپرست از رابطه عاطفی طبیعی محروم است و الگوهای معمول برای روابط متقابل با دیگران را دریافت نمی‌کند. گرچه این کودکان را مربی و گروه همسالان حمایت می‌کنند، ولی این حمایت‌ها نمی‌تواند جای رابطه عاطفی والدین را بگیرد و نقش الگوی مناسب را برای این کودکان داشته باشد (احمدی و قاسمی، ۱۳۷۸) جدا شدن کودک از والدین و تجربه اقامت در مراکز شبانه‌روزی به دو دلیل خطر اختلال‌های شخصیتی در کودک را افزایش می‌دهد. یکی محرومیت کودک از روابط پایدار و پیوسته با والدین و دیگری مشکلات ناشی از تطبیق با شرایط مراکز شبانه‌روزی است (سلمانیان، ۱۳۸۴).

برای پی بردن به وضعیت روانی کودکان روش‌های متعددی وجود دارد، اما از آنجا که کودکان در بسیاری مواقع نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند مسائل خود را به شکل گفتاری با

کودک، آسیب‌پذیرترین و بی‌دفاع‌ترین عضو خانواده است و دستان والدین را یگانه حامی و محافظی می‌داند که نجات‌بخش اوست (دیوید و کامینگز^۲، ۲۰۰۴). پس از یک آسیب ناشی از جنگ، سانحه، شکست و... کودکان به‌ویژه دختران نیاز بیشتری به حمایت از طرف خانواده دارند (سایین و کاتلین^۳، ۲۰۱۴). به دلیل آنکه میزان سرکوب روانی در سنین پایین بسیار بیشتر است، در صورت بی‌توجهی کانون خانواده به کودکان مسائل روانی - تنی همچون پرخاشگری، اختلال شخصیتی، پریشانی و... این کودکان در بزرگسالی بیشتر است (همر و همکاران^۴، ۲۰۱۲). کودکانی که از والدین و سرپرست مطلوب بهره‌مند هستند، احساس وابستگی، استقلال و حمایت می‌کنند (میرل، ماجیو و کستنر^۵، ۲۰۱۴)؛ سرپرستی مناسب والدین برای کودکان در جامعه مدرن که مسائلی همچون استرس در آن موج می‌زند یک ضرورت انکارناپذیر است (بوگلز و رستیفو^۶، ۲۰۱۴). اگرچه در بسیاری از جوامع نهاد قانون از حقوق کودکان برای بهزیستی و رفاه حمایت می‌کند، اما اثربخشی این اقدامات نیازمند مشارکت همه والدین است (رودریگو، سونیا و بتریز^۷، ۲۰۱۴). بررسی‌های جدید نشان می‌دهد، خلق و خوی کودکان به شدت تحت تأثیر سبک فرزندپروری است (لاکانز، الریکا، آسکو، ساجیا و کیسا^۸، ۲۰۱۴).

کودکان نخستین بار زندگی را در کانون خانواده تجربه می‌کنند. هسته اصلی خانواده نیز از والدین تشکیل می‌شود. همچنین ارتباط بین کودک و والدین به رشد وابستگی عاطفی کودک به مادر یا پدر منجر می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که وابستگی شدید و توأم با احساس ایمنی شالوده‌ رشد عاطفی و اجتماعی سالم را در دوران بعدی کودکی پی‌ریزی می‌کند (ماسن و کیگان^۹، ۱۳۸۳).

گرینهارت^۹ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «این خانواده من است» تفاوت نقاشی خانواده در کودکان «براساس فرهنگ» را بررسی کرد. نتایج نشان داد که موقعیت و آرایش فضای اعضای خانواده با توجه به زمینه فرهنگی و درک کودکان از خود و خانواده و اجتماع براساس زمینه‌های فرهنگی شکل گرفته است. در عمل ملاحظه می‌شود که فرافکنی در آزمون ترسیم خانواده به‌سادگی و با وسعت صورت می‌گیرد و به

1. Davied, Cummings

3. Huemer, Sabine, Niranjana, Katherine, Elisabeth et al.

5. Bögels and Restifo

7. Laukkanen, Ulrika, Asko, Saija & Kaisa

9. Gernhardt

11. Bereavment

2. Sabine, Niranjana, Michaela, Elisabeth, Hans et al.

4. Mireille, Mageau and Koestner

6. Rodrigo, Sonia & Beatriz

8. Massen & Kigan

10. Shaw, Winslow & Flangaga

استفاده از نقاشی خانواده، می‌توان به چگونگی روابط و تعاملات درون خانواده و ویژگی‌های عاطفی - روانی شخص ترسیم‌کننده پی برد و آن را به‌عنوان یک آزمون شخصیت مورد استفاده قرار داد (کرمن^۵، ۱۳۸۷). پژوهش‌های متعددی در خصوص آزمون ترسیم نقاشی صورت گرفته است. نتایج پژوهش دلایز و تچانتوریا^۶ (۲۰۰۷) نشان داد که سنجش ترسیم نقاشی خود، ابزار مفیدی برای آشکارسازی علایم سلامت هیجانی^۷، ارتقای سطح ایمنی و ارتباط آسان است. گرینهارت (۲۰۱۳) در پژوهشی تفاوت نقاشی خانواده در کودکان را براساس فرهنگ بررسی کرد. نتایج نشان داد که موقعیت و آرایش فضای خانواده با توجه به زمینه فرهنگی و درک کودکان از خود و خانواده و اجتماع بر اساس زمینه‌های فرهنگی شکل گرفته است. در عمل ملاحظه می‌شود که فرافکنی در آزمون ترسیم خانواده به سادگی و با وسعت صورت می‌گیرد و به کمک آن می‌توان به بسیاری از تعارض‌ها، گرایش‌های ناخودآگاه، سازوکارهای دفاعی و اختلالات شخصیت کودکان پی برد و رابطه این اختلالات با نقش خانواده در ایجاد این اختلالات را تشخیص داد. در یک پژوهش ترسیم نقاشی کودکان مورد سوء استفاده جسمی و جنسی بررسی شد. نتایج نشان داد این کودکان عموماً علایم آشکاری از آسیب روانی را در ترسیم خود نمایان می‌کنند (پاپیرنو، استفانیا، لوی^۸، ۲۰۰۷).

در پژوهشی دیگر ترسیم خانواده از سوی کودکان در سه گروه خانواده تک‌والدی، سنتی و مهاجر مقایسه گردید و مشاهده شد که درصد حذف پدر و مادر در نقاشی کودکان تک‌والدی بیشتر از کودکان متعلق به گروه‌های سنتی و مهاجر است (روی و فان^۹، ۲۰۱۲).

نتایج به‌دست آمده از یک پژوهش در مورد سبک فرزندپروری که روی کودکان انجام شد، نشان داد که بین سه سبک فرزندپروری در پاسخ حذف خود، حذف اعضای خانواده، پدر و مادر و خواهر و برادر، میزان انطباق‌سازی، همانندسازی هشیار و ناهشیار با والدین، تفاوت معناداری در ترسیم و تعامل بین اشخاص و نازنده‌سازی والدین با درجه تکاملی نقاشی کودکان وجود دارد. همچنین پاسخ نازنده‌سازی والدین نیز معنادار بود (حیدری، ۱۳۹۲).

در پژوهشی که روی دو گروه کودکان عادی و تک‌والدی ایتالیایی با استفاده از آزمون ترسیم خانواده صورت گرفت

دیگران در میان بگذارند، لذا نقاشی کردن یکی از بهترین و کارآمدترین روش‌هایی است که برای شناخت روان کودکان در فعالیت‌های پژوهشی روان‌شناسی و روانپزشکی کودک و نوجوان به کار می‌رود (ولتمن و کوین^۱، ۲۰۰۳).

نقاشی کودک یک پیام است. آنچه را که او نمی‌تواند به گفتار در آورد از طریق ترسیم به ما انتقال می‌دهد. کودک همه مسائل زندگی خود را به واسطه نقاشی به تجربه درمی‌آورد و خود را می‌آزماید و من خویشتن را بیان می‌کند. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای هیجانی اوست و نقاشی به تنهایی به منزله جهانی است که به موازات افزایش هوشیاری و دگرگونی‌های کودک متحول می‌گردد. نقاشی در تشکیل شخصیت و روان کودک اهمیت بسزایی دارد (دادستان، ۱۳۸۳).

نقاشی کودکان به‌عنوان یک اثر مکتوب و قابل نگهداری در طول زمان برای شناخت ویژگی‌های روانی یا حالت عاطفی آنان بسیار با ارزش است. کودکان با هر نقاشی و داستان مرتبط با آن جزئی از ویژگی‌های خویش را نمایان می‌سازند و به همین دلیل است که این ابزار وسیله‌ای برای راه یافتن به دنیای پر رمز و راز آنان تلقی می‌شود. از دیدگاه روان‌تحلیلی، کودکان از طریق نقاشی آنچه را در ضمیر ناخودآگاه خود دارند و احتمالاً باعث ناراحتی و اضطرابشان می‌شوند، بیان می‌دارند (اصلی‌پور، ۱۳۸۹). پژوهشگرانی نیز در سال ۲۰۱۳ رابطه بین شاخصه‌های خاص در نقاشی ترسیم خانواده کودکان و مشکلات درونی‌سازی شده کودکان را مورد تأیید قرار دادند (گلدنر و اسکارف^۲، ۲۰۱۲).

کاربرد نقاشی ابتدا در مورد کودکانی استفاده شد که در خانواده آنها طلاق یا متارکه صورت گرفته بود، اما بعدها استفاده از این روش در مورد هر کودکی که تغییرات بزرگی مثل جدایی، فقدان یا آسیب دیگری در زندگی تحمل کرده است، گسترش یافت. در واقع نقاشی مانند پلی است میان دنیای درون و واقعیت‌های بیرونی. تصویر نیز مانند میانجی در فاصله این دو عمل می‌کند و جنبه‌های خودآگاه و ناخودآگاه گذشته و حال را بازگو می‌کند (سیلور^۳، ۱۳۹۱).

یکی از مهمترین آزمون‌های ترسیم نقاشی، آزمون ترسیم خانواده^۴ است. نقاشی خانواده به‌عنوان یکی از آزمون‌های فرافکن، مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان قرار گرفته است و اکنون نیز به‌طور روزافزونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با

1. Veltman & Kevin
3. Silver
5. Corman
7. Motional Health
9. Rueli & Fan

2. Goldner & Scharf
4. Family Drawing Test
6. Dolidze Tchanturia
8. Piperno, Stefania & Levi

به حساب می‌آید، بلکه باید آن را یک نیاز واقعی برای تأمین رفاه اجتماعی و روانی جامعه دانست برای اینکه وقتی در نگهداری آنها غفلت شود، خود آنها نیز پس از بزرگ شدن کودکانی شبیه به خود تحویل جامعه خواهند داد. تأثیرات نامطلوب محرومیت از والدین عبارت‌اند از اضطراب، احتیاج مفرط به محبت، حس شدید انتقامجویی که به افسردگی و ارتکاب جرم منتهی می‌گردد (بالبی، ۳، ۱۳۷۹).

کودکانی که در مؤسسات شبانه‌روزی بزرگ می‌شوند در معرض خطر سلامتی و مشکلات رشدی بیشتری نسبت به کودکان عادی قرار دارند. مشکلات اساسی و مهم کودکان پرورشگاهی به بی‌توجهی‌ها و سوء رفتارهایی بوده است که در محیط خانه انجام شده است. این کودکان احتمالاً سابقه درگیری والدین - کودک، رفتارهای پرخاشگرانه، گسیختگی در جامعه و مشکلات هیجانی و بیماری‌های مزمن، نواقص تولدی، اختلالات هیجانی، نارزنده‌سازی و شکست‌های تحصیلی دارند. خانواده جایی است که به کودکان عشق می‌آموزد و به آنان امنیت می‌بخشد. کودکان، آسیب‌پذیرترین و بی‌دفاع‌ترین اعضای خانواده هستند و دستان والدین را یگانه حامی و محافظی می‌دانند که نجات‌بخش آنهاست (دیوید و کامینگز، ۲۰۰۴).

از نظر کودکان، از هم پاشیده شدن خانواده، پایان یافتن دنیای آنهاست. اختلافات خانوادگی مسائلی است که نه فقط کانون امن خانواده را درهم می‌ریزد و سلامت جسمی و روانی کودکان را مختل می‌کند بلکه نظم و امنیت اجتماعی را نیز به شدت تهدید می‌کند (شاو، وینسلو فلانگاکان، ۲۰۰۶).

از طرف دیگر بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه بر روی نوجوانان صورت گرفته است و تا حدودی از کودکان غفلت شده است. علت این امر را باید در ناتوانی کودکان به پاسخ دادن به پرسشنامه جست‌وجو کرد. بنابراین با توجه به محدودیت‌های موجود در این زمینه پژوهش‌های کمی روی کودکان بدسرپرست صورت گرفته است (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۳).

لذا پژوهشگر در این پژوهش تلاش کرده است با استفاده از آزمون فرافکنی ترسیمی (آزمون ترسیم خانواده مدل کرمن) ویژگی‌های روانی - عاطفی و شناختی کودکان بدسرپرست را با کودکان عادی مقایسه و فرضیه‌های زیر را بررسی کند:

فرضیه اول: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر حذف کامل تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر همسان‌سازی هشیار تفاوت وجود دارد.

مشاهده شد در کودکان خانواده‌های تک‌والدی، حذف یکی از والدین، استفاده از رنگ‌های سرد، سطح پایین اعتماد به نفس شایع است و به عکس کودکان عادی بیشتر به رنگ‌های شاد، ارزنده‌سازی و ترسیم والدین با هم تمایل دارند (اپولیتو، ۲۰۰۸).

در پژوهشی که روی کودکان تک‌والدی و عادی انجام گرفت، این نتیجه به دست آمد که کودکان خانواده‌های تک‌والدی در ترسیم‌های خود بیشتر از کودکان خانواده‌های عادی واکنش‌های عاطفی مانند حذف خود و اعضای بدن، حذف یکی از والدین و تنوع رنگ نشان می‌دهند (شاکریان، ۱۳۸۸).

اسپیگلمن و اسپینگلمن^۲ (۱۹۹۲) در پژوهشی روی ۱۰۸ کودک سوئدی (۴۵ کودک طلاق و ۵۴ کودک غیرطلاق) به این نتیجه دست یافتند که کودکان طلاق اعضای خانواده را به نسبت بیشتری حذف می‌کنند. همچنین در پژوهشی که روی ۵۰ نفر از کودکان ۷ تا ۹ سال ایرانی متعلق به خانواده‌های گسسته و ناگسسته با استفاده از آزمون ترسیم خانواده صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که بین ترسیم کودکان متعلق به خانواده گسسته در انتخاب اولین شخص ترسیم شده، بزرگترین شخص، مهربان‌ترین فرد و آخرین فرد ترسیم شده تفاوت معناداری وجود دارد (ایروانی، ولی‌زاده و شفیعی، ۱۳۸۶).

نتایج به دست آمده از آزمون ترسیم خانواده در دو گروه کودکان طلاق و عادی نشان داد که در میزان اشغال سطح کاغذ و زمان برای ترسیم نقاشی، میزان همانندسازی، میزان بی‌ارزش‌سازی والدین، کوچک‌نمایی در اندازه و قد والدین، استفاده از تعداد رنگ، کوچک‌نمایی در اندازه و قد خود، انتخاب اولین شخصیت ترسیم شده، بزرگترین شخصیت ترسیم شده، مهربان‌ترین فرد، و آخرین شخصیت ترسیم شده تفاوت وجود دارد (صالحی، علییایی‌زند و بهرامی، ۱۳۸۴).

والدینی که رفتار مطلوب و درستی با فرزندانشان ندارند، موجب سرخوردگی آنها می‌شوند. کودکی که از مهر و محبت مردم محروم است می‌کوشد تا به هر وسیله ممکن این کمبود خود را جبران نماید. با افزایش سن کودک رابطه وی با والدین به شکل بحران‌ها و کشمکش‌های شدید خانوادگی بروز می‌کند. نظریه پردازانی چون پیاز، اریکسون و ورنر محیط را در جریان رشد انسان مهم و اساسی می‌دانند، ولی تأثیر محیط را تنها در محدوده توانایی‌های فرد برای سازمان دادن به تجارب خویش تعیین‌کننده می‌دانند (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۳).

مراقبت و نگهداری صحیح کودکانی که از زندگی عادی و سالم خانوادگی محروم بوده‌اند امروزه نه فقط یک عمل انسانی

این راه، تمایلات ناهشیار با سهولت بیشتری بیان می‌شود. در این شیوه کودک مختار است که خانواده خود را یا هر خانواده دیگری را که تمایل دارد انتخاب و ترسیم کند. اجرای آزمون مستلزم آن است که یک صفحه کاغذ، یک مداد و هفت مدادرنگی به کودک داده شود و به صورت انفرادی و ماهرانه حرکات کودک زیر نظر گرفته شود (کرمن، ۱۳۹۱).

نسبت به ملاک‌های مورد نظر در قسمت فرضیات پژوهش، بدین صورت نمره تعلق گرفت که ترسیم پدر ۱، ترسیم مادر ۲، خودآزمودنی عدد ۳، ترسیم خواهر و برادر ۴ و مربی ۵ نمره گذاری شد. برای وسعت و همچنین سایه زدن یک سوم سطح کاغذ، عدد ۱، برای دو سوم سطح کاغذ عدد ۲ و برای استفاده از کل سطح کاغذ عدد ۳ و در مورد وسعت کم نقاشی نیز معکوس حالت بالا عمل شد و فقط عدد ۲ به همان صورت به کار رفت. در مورد فشار زیاد مداد، به فشار ندادن، عدد صفر، به فشاری که از پشت کاغذ مشخص بود، عدد ۱ و در صورت پاره شدن کاغذ، عدد ۲ به کار برده شد. در مورد بقیه متغیرها نیز بدین صورت عمل شد که در صورت فقدان، عدد ۱ و برای هر بار تکرار آن نیز یک نمره داده می‌شود.

آزمون ترسیم خانواده شاخص‌های ترسیمی و محتوایی در ارزیابی نقاشی‌های کودکان را مورد توجه قرار می‌دهد. به برخی از آنها که در این پژوهش بررسی شدند اشاره می‌گردد. شاخص‌های محتوایی شامل موارد زیر است:

شخص/ارزنده‌سازی شده: نخستین و بزرگترین کسی است که در نقاشی رسم می‌شود و وقت بیشتری برای ترسیم او صرف می‌گردد. در مصاحبه به ارزنده‌سازی او می‌پردازد و نقش برتر او را آشکار می‌کند و خودش را با آن شخص همسان‌سازی می‌کند.

نارزنده‌سازی شخص: شخصی که از خانواده حذف شده است. بخشی از یک شخص حذف شده است. واپس‌روی که به صورت همانندسازی با کوچکترین رقیب نشان داده می‌شود. **همسان‌سازی هشیار:** کودک در ازای پاسخ به سؤال مصاحبه: «دوست داری جای چه کسی باشی» به طور صریح می‌گوید که تمایل دارد جای شخص مشخصی باشد (کرمن، ۱۳۹۱).

سطح ترسیمی: نیروی خطوط نقاشی شامل پررنگ که نیروی کشاننده‌ها، خشونت یا رهاسازی، غریزی و تسلط بر زندگی است و خطوط کم‌رنگ کشاننده‌های ضعیف، کم‌رویی، وقفه غریز و ناتوانی در تأیید خود است (دادستان، ۱۳۸۳).

فرضیه سوم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم خانواده کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر سطح پویایی (حسی - تعقلی) تفاوت وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر اولین شخص ترسیم شده تفاوت وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین فراوانی ترسیم خانواده کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر سطح ترسیمی (کم‌رنگ - پررنگ) تفاوت وجود دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش این پژوهش از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کودکان ۵ تا ۱۱ ساله دختر و پسر شهر تهران در سال ۱۳۹۲ بود. نمونه مورد مطالعه ۶۰ کودک دختر و پسر ۵ تا ۱۱ ساله بودند. ۳۰ نفر از کودکان دختر و پسر بدسرپرست (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) مقیم یکی از خیریه‌های منطقه ۱ تهران و ۳۰ نفر از کودکان دختر و پسر عادی (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) که در مدارس پیش‌دبستانی و دبستانی منطقه یک تهران در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند انتخاب شدند. انتخاب مدارس منطقه یک به این دلیل بود که خیریه‌ای که کودکان بدسرپرست در آن اقامت داشتند در منطقه یک قرار داشت و به لحاظ بافت فرهنگی و محیط اقتصادی مشابه بودند. انتخاب سه خیریه به صورت تصادفی و از راه قرعه‌کشی بین کل مناطق تهران صورت گرفت که فقط این خیریه با پژوهشگر همکاری کرد. انتخاب مدارس از بین مدارس منطقه یک و دانش‌آموزان نیز به صورت تصادفی صورت گرفت.

ابزار سنجش

در این پژوهش از آزمون ترسیم خانواده استفاده شده است. این آزمون را اپل^۱ (۱۹۳۱) و ولف^۲ (۱۹۴۲) برای اولین بار پیشنهاد کردند، اما بعدها هال^۳ (۱۹۵۱) آن را به طور کامل تر به عنوان ترسیم خانواده^۴ (DAF) تدوین کرد (مارنات، ۱۳۷۴). این آزمون به دو شیوه قابل اجراست: شیوه پورو^۵ و شیوه کرمن. در شیوه پورو آزمونگر از کودک می‌خواهد که به ترسیم خانواده خود بپردازد. در حالی که در شیوه اجرای کرمن آزمونگر از کودک می‌خواهد که «یک خانواده را که دوست داری ترسیم کن». این دستورالعمل آزادی کامل‌تری فراهم می‌سازد از

1. Appel
3. Draw Family Test
5. Prow

2. Wolf
4. Hall

برای بررسی فرضیه اول پژوهش در خصوص ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر حذف کامل، جدول ۱ توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و حذف کامل را نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۱ در خصوص فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی نشان می‌دهد بیشترین تعداد آزمودنی پدر سرپرست بودند و کمترین میزان آنها دارای خواهر یا برادر سرپرست بوده‌اند. تفاوت معناداری این گروه‌ها در جدول ۲ قابل مشاهده است.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد بین نوع سرپرستی و حذف کامل تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه یک تأیید شد).

فرضیه دوم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر همسان‌سازی هشیار تفاوت وجود دارد.

در بررسی فرضیه دوم پژوهش در خصوص ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر همسان‌سازی هشیار، جدول ۳ توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و همسان‌سازی هشیار را نشان می‌دهد.

آزمون ترسیم خانواده را پژوهشگران زیادی هنجاریابی کردند. پایایی این روش در آمریکا در سطح بالایی گزارش شده است (وتکینز، کمپل، نیبردینگ و هالمارک^۱، ۱۹۹۵). اعتبار به دست آمده برای این آزمون را پژوهشگران در سال ۱۹۹۹ برابر با ۰/۸۲ و اعتبار به دست آمده در سال ۱۹۸۲ برابر با ۰/۸۷ و اعتبار به دست آمده در ایران برابر با ۰/۸۴ گزارش شده است (خدایاری فرد، ۱۳۸۳). اعتبار آزمون ترسیمی را ملونی و گلسر^۲ (۱۹۸۲) برابر ۰/۷۸ برآورد کردند. در پژوهش خدایاری فرد (۱۳۸۳) پایایی آزمون ترسیمی را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برآورد کرد. در این پژوهش نیز پایایی ابزار پژوهش برابر ۰/۷۵ برآورد شد که نشان‌دهنده اعتبار بالایی است.

یافته‌های پژوهش

به منظور مقایسه شاخص‌های ترسیمی خانواده بین دو گروه مورد مطالعه، از آزمون آماری غیرپارامتری مجذور کای و توزیع فراوانی و نسبت استفاده گردید. جدول‌های ۱ تا ۱۰ یافته‌های مربوط به بررسی فرضیات پژوهش را نشان می‌دهد. **فرضیه اول: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر حذف کامل تفاوت وجود دارد.**

جدول ۱- جدول توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و حذف کامل

گروه	مادر	حذف کامل پدر	خود	خواهر/ برادر	جمع
بدسرپرست	۱۶(۱۳/۳)	۱۸(۱۵/۲)	۶(۹/۵)	۳(۵/۱)	۴۳
عادی	۵(۷/۷)	۶(۸/۸)	۹(۵/۵)	۵(۲/۹)	۲۵
جمع	۵	۱۵	۱۴	۱۱	۶۸

جدول ۲- اصلاح شماره نتایج آزمون مجذور کای

شاخص‌ها	مجذور کای	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	Sig
مقادیر	*۸/۷۰۷	۶۸	۳	۰/۰۰۱

جدول ۳- جدول دوبعدی توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و همسان‌سازی هشیار

گروه	مربی	مادر	همسان‌سازی هشیار		جمع
			خود	خواهر/ برادر	
بدسرپرست	۸(۴/۱)	۲(۵/۱)	۰(۴/۶)	۱۴(۹/۷)	۳۰
عادی	۰(۳/۹)	۸(۴/۹)	۹(۴/۴)	۵(۹/۳)	۲۹
جمع	۸	۱۰	۹	۱۹	۵۹

جدول ۴- نتایج آزمون مجذور کای

شاخص‌ها	مجذور کای	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	Sig
مقادیر	*۲۴/۹۳۰	۵۹	۴	۰/۰۰۱

جدول ۵- جدول دوبعدی توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و پویایی ترسیم (حسی - عقلی)

گروه	حسی	سطح ترسیمی	
		عقلی	جمع
بدسرپرست	۸(۱۳)	۲۲(۱۷)	۳۰
عادی	۱۸(۱۳)	۱۲(۱۷)	۳۰
جمع	۲۶	۲۴	۶۰

در بررسی فرضیه سوم پژوهش در خصوص ویژگی‌های ترسیم خانواده کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر پویایی ترسیم (ریخت حسی - عقلی)، جدول ۵ توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و پویایی ترسیم (حسی - عقلی) را نشان می‌دهد.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۵ در خصوص توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و پویایی ترسیم (حسی - عقلی) نشان می‌دهد، بیشترین تعداد آزمودنی بدسرپرست عقلی و کمترین آنها حسی بوده‌اند. تفاوت معناداری این گروهها در جدول ۶ قابل مشاهده است.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۳ در خصوص توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و همسان‌سازی هشیار نشان می‌دهد بیشترین تعداد آزمودنی بدسرپرست خواهر/ برادر بودند و کمترین میزان آنها بدسرپرست پدر بوده‌اند. تفاوت معناداری این گروهها در جدول ۴ قابل مشاهده است.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد بین فراوانی نوع سرپرستی و همسان‌سازی هشیار تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه دوم تأیید شد).

فرضیه سوم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم خانواده کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر پویایی ترسیم (ریخت حسی - عقلی) تفاوت وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون مجذور کای

شاخص‌ها	مجذور کای	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	Sig
مقادیر	**۶/۷۸۷	۶۰	۱	۰/۰۰۹

جدول ۷- جدول دوبعدی توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و اولین شخص ترسیم شده

گروه	مربی	مادر	اولین شخص ترسیم شده پدر	خود	خواهر/ برادر	جمع
بدرپرست	۱۵(۷/۴)	۳(۸/۴)	۲(۳/۴)	۸(۷/۴)	۲(۳/۴)	۳۰
عادی	۰(۷/۶)	۱۴(۸/۶)	۵(۳/۶)	۶(۷/۶)	۵(۳/۶)	۳۰
جمع	۱۵	۱۷	۷	۱۵	۷	۶۰

جدول ۸- نتایج آزمون مجذور کای

شاخص‌ها	مجذور کای	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	Sig
مقادیر	**۲۴/۷۴۶	۶۰	۴	۰/۰۰۱

می‌دهد، اولین شخص ترسیم شده در کودکان بدرپرست مربی و کمترین پدر بوده است. در بین گروه عادی کمترین مربی و بیشترین امتیاز برای مادران کودکان عادی به‌عنوان اولین شخص ترسیم بوده است. تفاوت معناداری این گروهها در جدول ۸ قابل مشاهده است.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد بین فراوانی نوع سرپرستی و اولین شخص ترسیم شده تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه چهارم تأیید شد).

فرضیه پنجم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدرپرست و کودکان عادی از نظر سطح ترسیمی (کمرنگ - پررنگ) تفاوت وجود دارد.

در بررسی فرضیه پنجم پژوهش در خصوص فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدرپرست و کودکان عادی از نظر سطح ترسیمی (کمرنگ - پررنگ)، جدول ۹ توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (پررنگ و کمرنگ) را نشان می‌دهد.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد بین فراوانی نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (حسی - تعقلی) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر سطح ترسیمی کودکان بدرپرست بیشتر تعقلی و در کودکان عادی بیشتر حسی است (فرضیه سوم تأیید شد).

فرضیه چهارم: بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدرپرست و کودکان عادی از نظر اولین شخص ترسیم شده تفاوت معنادار وجود دارد.

در بررسی فرضیه چهارم پژوهش در خصوص ویژگی‌های ترسیم کودکان بدرپرست و کودکان عادی از نظر اولین شخص ترسیم شده، جدول ۷ توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و اولین شخص ترسیم شده را نشان می‌دهد.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۷ در خصوص توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و اولین شخص ترسیم شده نشان

جدول ۹- جدول دوبعدی توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (پررنگ و کمرنگ)

گروه	کمرنگ	سطح ترسیمی پررنگ	جمع
بدرپرست	۱۱ (۱۱/۲)	۲۳ (۲۲/۸)	۳۴
عادی	۱۰ (۹/۸)	۲۰ (۲۰/۲)	۳۰
جمع	۲۳	۲۱	۴۴

جدول ۱۰- نتایج آزمون مجذور کای

شاخص‌ها	مجذور کای	تعداد مشاهدات	درجه آزادی	Sig
مقادیر	۰/۰۰۷	۶۴	۱	۰/۹۳۴

به نظر کرم (۱۳۹۱) برای آنکه نتیجه بهتری گرفته شود، می‌توان از کودک خواست که تصویر خانواده‌ای جز خانواده خودش را نقاشی کند. بدین ترتیب کودک از خانواده خودش دور می‌شود و با راحتی بیشتری گرایش‌های درونی و شخصی خود را بروز می‌دهد، ولی در هر حال تصویری که او می‌کشد مربوط به خانواده خودش خواهد بود. زیرا به نظر او، خانواده‌اش تنها خانواده‌ای است که می‌شناسد و در آن زندگی کرده است. بعضی دیگر از پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که از کودک خواسته شود اشخاص را در حال انجام کاری ترسیم کند. در هر حال وقتی نقاشی تمام شد، می‌توان شروع به حرف زدن کرد و از کودک خواست تا در مورد اشخاص توضیح بدهد و احساسات خود را نسبت به آنها بیان کند و دلیل حذف بعضی اشخاص را بگوید.

فرضیه اول مبنی بر اینکه بین فراوانی کودکان بدرپرست و کودکان عادی از لحاظ حذف کامل والدین تفاوت وجود دارد تأیید شد ($P < 0/01$). کودکان عادی بیشتر خود یا خواهر و برادر را حذف کردند، ولی کودکان بدرپرست بیشتر والدین را حذف کردند. این امر نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین ساز و کار دفاعی مبنی بر نفی واقعیتی است که کودک در سازش با آن خود را ناتوان می‌پندارد و از راه حذف ساده، اضطراب خود را بیان می‌کند. نتایج این پژوهش با نتایج به دست آمده از روی و فان (۲۰۱۲) و صالحی و همکاران (۱۳۸۴) در مورد حذف والدین همخوانی دارد. همچنین این پژوهش با پژوهش اسپینگلمن و همکاران (۱۹۹۲) همخوانی دارد.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۹ در خصوص توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار شرکت کنندگان به تفکیک بین نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (پررنگ و کمرنگ) نشان می‌دهد سطح ترسیم شده در کودکان بدرپرست پررنگ‌تر بوده است. در بین گروه عادی نیز سطح ترسیمی پررنگ‌تر بیشتر مشاهده شده است. تفاوت معناداری این گروه‌ها در جدول ۱۰ قابل مشاهده است.

همان‌طور که یافته‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد، بین فراوانی نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (کمرنگ - پررنگ) تفاوت معناداری وجود ندارد (فرضیه پنجم تأیید نشد).

بحث و نتیجه‌گیری

نقاشی خانواده که در حد وسیعی به عنوان وسیله‌ای برای تشخیص امراض روانی و تجزیه و تحلیل فردی به کار گرفته می‌شود، در عین حال اطلاعات زیادی را برای شناخت محیط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی خانواده ارائه می‌دهد. در حقیقت خانواده همیشه در مجموعه اجتماعی مشخصی جای گرفته است، و بدون تردید شالوده آن، منعکس‌کننده طبقه اجتماعی بی است که آن خانواده از نظر سنت‌ها و قوانین مذهبی و الهامات و پیشداوری‌ها و غیره بدان وابسته است. بنابراین بین کودکان مختلف که هر کدام حقیقت اجتماعی را به نوع خاصی می‌شناسند، اختلاف ژرفی از لحاظ درک خانواده و ارتباطات افراد و جزئیات کانون خانوادگی وجود دارد.

فرضیهٔ آخر پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین ترسیم نقاشی کودکان بدسرپرست و عادی از لحاظ سطح ترسیمی (کمرنگ و پررنگ) تأیید نشد. با توجه به مقدار مجذور کای به دست آمده (۰/۰۰۷) می‌توان پیش‌بینی کرد که بین فراوانی نوع سرپرستی و سطح ترسیمی (کمرنگ - پررنگ) تفاوت معناداری وجود ندارد. مقدار ضریب خی (۰/۰۱۰) نشان‌دهندهٔ فراوانی رابطهٔ بین این دو متغیر است. خطوط پررنگ نشانهٔ رهاسازی غریزی و خطوط کمرنگ نشانهٔ وقفهٔ غریزی است. افراط در کشیدن خطوط پررنگ نشانهٔ یک نیروی زیاد و برون‌ریزی شده است. خط کمرنگ نشانهٔ کمروبی و ناتوانی در تأیید خود است. در این پژوهش کودکان عادی بیشتر از خطوط پررنگ استفاده کردند و برای خطوط از چپ به راست بود، ولی کودکان بدسرپرست هم از خطوط پررنگ و هم از خطوط کمرنگ استفاده کردند و برای خطوط از راست به چپ بود که نشانهٔ واپس‌روی و افسردگی است و نشان‌دهندهٔ پتانسیل درونی خواسته‌های کودکان است که در کودکان هر دو گروه تا حدودی یکسان بود. این یافته با نتایج پژوهش اصلی‌پور (۱۳۸۹) در خطوط کمرنگ و پررنگ سطح ترسیمی همخوانی دارد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که کودکان بدسرپرست نسبت به کودکان عادی واکنش‌های عاطفی خود را نسبت به خانواده و اعضای آن نشان می‌دهند و فراوانی فهم و شناخت کودکان در دو گروه از وضع موجود خانواده متفاوت است.

در این پژوهش سعی شد از طریق ترسیم نقاشی خانواده، شکل‌گیری مفهوم خانواده در بین کودکان بدسرپرست (شامل همهٔ کودکانی که مورد پرخاشگری و رفتار نامناسب والدین قرار گرفته‌اند و نیز جدایی از خانواده را به دلیل طلاق، اعتیاد و مشکلات اقتصادی تجربه کردند) با کودکان عادی مقایسه شود و تأثیر عامل ساخت خانوادگی یعنی اهمیت خانواده در تحول شناختی مورد بررسی قرار گیرد. نقاشی کودکان فقط یک وسیلهٔ پرورش خلاقیت و پختگی کودک نیست، بلکه آن را باید به عنوان وسیلهٔ پژوهش و مبادله با محیط اجتماعی و دنیای بزرگسالان اطراف کودک در آموزش و پرورش به کار برد. با توجه به اینکه آزمون ترسیم خانواده در این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در داخل و خارج کشور از توان بازنمایی خوبی برای بیان و انعکاس وضعیت عاطفی - روانی کودکان در خصوص روابط خانوادگی به شمار می‌رود، پیشنهاد می‌شود از این آزمون در مراکز نگهداری کودکان شبانه‌روزی و همین‌طور مهدکودک‌ها و پیش‌دبستان‌ها و دبستان‌ها استفاده شود.

فرضیهٔ دوم مبنی بر اینکه بین فراوانی کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از لحاظ همسان‌سازی هشیار تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید شد ($P < 0/01$). این پژوهش با نتایج پژوهش صالحی و همکاران (۱۳۸۴) و حیدری (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در ضمن بیشتر کودکان بدسرپرست در پاسخ به این سؤال که: «دوست دارید جای چه کسی باشید؟» پاسخ دادند: «دوست دارند جای خودشان باشند». در مقابل بیشتر کودکان عادی در پاسخ به این سؤال پاسخ دادند: «دوست دارند جای یکی از والدین و یا خواهر و برادر خود باشند». این امر نشان‌دهندهٔ آن است که کودکان بدسرپرست الگویی برای همسان‌سازی ندارند و در واقع همسان‌سازی هشیار را در خود دیده‌اند.

فرضیهٔ سوم نیز مبنی بر اینکه بین فراوانی کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر پویایی ترسیمی (حسی - عقلی) تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید شد ($P < 0/01$). سطح ساخت صوری یکی از شاخص‌های ترسیم خانواده است که در زیرگروه آن پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص است که دو شکل حسی و عقلی دارد. شکل حسی شامل خطوط منحنی، انعطاف‌دار و شکل عقلی شامل خطوط راست و بدون انعطاف است. با توجه به اینکه ترسیم خطوط راست در نقاشی کودکان بدسرپرست بر خطوط منحنی غالب بود، می‌توان نتیجه گرفت که این امر بیانگر بازداری روانی و شکل عقلی کودکان بدسرپرست است که نشان‌دهندهٔ آسیب‌پذیری روانی بیشتری نسبت به کودکان عادی است. در مقابل ترسیم خطوط منحنی که یک ریخت ارتجالی و سرزنده است بیشتر در گروه کودکان عادی دیده شد. در این پژوهش پیش‌بینی شده بود که کودکان بدسرپرست ترسیم خطوط راست را بر منحنی ترجیح دهند که این فرضیه تأیید شد.

فرضیهٔ چهارم مبنی بر اینکه بین فراوانی ویژگی‌های ترسیم کودکان بدسرپرست و کودکان عادی از نظر اولین شخص ترسیم شده تفاوت وجود دارد نیز ثابت شد که کودکان عادی اولین شخص ترسیم شده را پدر یا مادر و یا خواهر و برادر خود را کشیدند، ولی کودکان بدسرپرست خیلی کمتر والدین خود را کشیدند که نشان‌دهندهٔ همسان‌سازی ناهشیار است و کودکان بدسرپرست که به دور از پدر و مادر خود هستند الگوی همسان‌سازی ندارند و چنین گرایش‌هایی غالباً از ناتوانی و نداشتن امکان سرمایه‌گذاری در تصاویر والدین به دلیل تعارضی است که کودک را وادار به سرمایه‌زدایی و بازگشت به دگر دوستداری کرده است و شخص ارزنده‌سازی شده در دو گروه متفاوت بود. نتایج این پژوهش با ابروانی و همکاران (۱۳۸۶)، روی و فان (۲۰۱۲)، گرنهارت (۲۰۱۳) و حیدری (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

شاکیان، ع. (۱۳۸۸). مقایسه ترسیم خانواده جهت تحلیل روان‌شناختی در کودکان در خانواده‌های عادی و تک‌والدین، *مجله اصول بهداشت روانی*، ش ۴، ۳۱۲-۳۲۱.

صالحی، ا.، علییایی‌زند، ش.، بهرامی، ه. (۱۳۸۴). ارزش تشخیصی آزمون ترسیم خانواده جهت شناسایی چگونگی ارتباط کودکان ۴ تا ۶ ساله با اعضای خانواده، *مجله پژوهش‌های تربیتی*، ش ۶، ۹۰-۱۰۳.

کرمن، ل. (۱۳۹۱). *نقاشی کودکان: کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک*. ترجمه پ. دادستان و م. منصور، تهران، انتشارات رشد. ماسن، پ.، کیگان، ج. (۱۳۸۳). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی، تهران، انتشارات مرکز.

مارنات، گ. (۱۳۷۴). *راهنمای سنجش روانی*، جلد دوم، ترجمه ح. پاشاشریفی، انتشارات رشد، تهران.

Bögels, S., Restifo, K. (2014). An Evolutionary Perspective on Parenting and Parenting Stress, *Mindful Parenting Mindfulness in Behavioral Health* 2014, 15-39.

Davied, P.T, & Cummings, EM. (2004). Exploring Children. S Emotional Security as a Mediator of the Link between Marital Relations and Child Adjustment, *Child Development*, 69,124-139.

Dolidze, K., Smith, E., Tchanturia, K. (2007). A Clinical Tool for Evaluating Emotional Well-Being Self-Drawings of Hospitalized Children, *Journal of Pediatric Nursing* , 28, 470-478.

Gernhardt, A. (2013). *This is My Family: Differences in Childrens Family Drawing Across Cultures*, *Journal of Cross Cultural Psychology* xx(x)1-18.

Goldner, L. & Scharf, M. (2012). Children's family drawings and internalizing problems, *Journal of The Arts in Psychotherapy*, 39, 262- 271.

Huemer, J., Sabine, V.K., Niranjan K., Katherine G.D., Elisabeth G., Michaela M, Keith H., Belinda P., Friedrich M., Shaw R.J. (2012) Personality and Psychopathology in African Unaccompanied Refugee Minors: Repression, Resilience and Vulnerability, *Child Psychiatry & Human Development*, February 2013, 44, 1, 39-50

Ippolito, A., The Effect of Parent Separation on Children (Cited 2008 Nov 10) Available from: URL: <http://www.Forensicpsychology>.

Laukkanen, J., Ulriika, O., Asko, T, Saija, A., Kaisa, A. (2014). Child's Difficult Temperament and Mothers' Parenting Styles, *Journal of Child and Family Studies*, Volume 23, Issue 2, 312-323

Maloney, M.P. & Glasser, A. (1982). An evaluation of the clinical utility of the Draw-a- Person Test. *Journal of Clinical Psychology*; 38(1), 183-90.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بود، از جمله اینکه امکان بررسی برخی از عوامل اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های آزمودنی از قبیل میزان درآمد، شغل و محل زندگی و غیره وجود نداشت. همچنین در این پژوهش کودکان از نظر تفاوت در میزان علاقه ترسیمی مورد بررسی و توجه قرار نگرفتند. با توجه به کاربرد نقاشی به‌عنوان ابزار شناختی خصایص کودکان، تأثیر عوامل فرهنگی بر ویژگی‌های نقاشی کودکان و دشواری تدوین روش‌های عینی سنجش نیز از جمله این محدودیت‌ها بود.

منابع

احدی، ج.، بنی‌جمالی، ش. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک*، تهران: انتشارات جی‌جون، چاپ سوم.

احدی، ح.، جمهری، ف. (۱۳۹۲). *روان‌شناسی رشد، نوجوانی، بزرگسالی*، انتشارات آینده درخشان، چاپ پنجم.

اصلی‌پور، ع. (۱۳۸۹). مقایسه ویژگی‌های کودکان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در آزمون ترسیم خانواده، *مجله اصول بهداشت روانی*، سال ۱۲، ش ۴.

احمدی، س.، قاسمی، ا. (۱۳۷۸). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تحت پوشش سازمان بهزیستی استان اصفهان، *مجله دانش و پژوهش*، شماره اول، ص ۲۲. اکبری، م. ا. (۱۳۸۴). *عوامل ناسازگاری کودک و نوجوان*. تهران: انتشارات رشد و توسعه.

ایروانی، م.، ولی‌زاده، ش.، شفیعی، ف. (۱۳۸۶). مقایسه شاخص‌های ترسیمی کودکان خانواده‌های گسسته و ناگسسته در آزمون ترسیم خانواده، *مجله روان‌شناسی کاربردی*، دوره دوم، پاییز ۱۳۸۶، ش ۵.

بالبی، ج. (۱۳۷۹). *روان‌شناسی کودک*، ترجمه حسین تقفیان، تهران، انتشارات عارف.

خدایاری‌فرد، ص. (۱۳۸۳). *مقایسه نتایج آزمون‌های فرافکن ترسیمی در کودکانی که مورد کودک‌آزاری جنسی قرار گرفته‌اند با کودکان عادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روانپزشکی تهران.

دادستان، پ. (۱۳۸۳). *ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون‌های ترسیمی*. تهران، انتشارات رشد.

سلمانیان، ص. (۱۳۸۴). *بررسی و مقایسه آزمون ترسیم خانواده کودکان ۷ تا ۱۲ ساله واجد و فاقد پدر در شهر رشت در سال ۱۳۸۳-۱۴*، روان‌شناسی عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

سیلور، ر. (۱۳۹۱). *نقاشی انگیزشی و کاربرد آن در ارزیابی هیجانات و مهارت‌های شناختی*، ترجمه د. عرب‌قهبستانی، ودایع خیری، تهران، انتشارات رشد.

- Mireille Joussemet, Geneviève A. Mageau, Richard Koestner. (2014). Promoting Optimal Parenting and Children's Mental Health: A Preliminary Evaluation of the How-to Parenting Program, *Journal of Child and Family Studies*, Volume 23, Issue 6, 949-964
- Piperno, Francesca. Stefania Di Biasi, Gabriel Levi, Evaluation of family drawings of physically and sexually abused children, *Eurasia Child and Adolescent Psychiatry* (2007).
- Rodrigo, M.J., Sonia, B., Beatriz, R. (2014). Parenting Styles and Child Well-Being, *Handbook of Child Well-Being*, 2173-2196
- Ruei, J & Fan. A. (2012). A study on the Kinetic Family Drawing By Children With Different Family Structure, *The International Journal of Art Educational*.
- Sabine, V.K., Niranjana, K., Michaela, M.A., Granditsch, E., Steiner, H., Huemer, J. (2014). Responses to conflict, family loss and flight: posttraumatic stress disorder among unaccompanied refugee minors from Africa, *Neuropsychiatrie March* 2014, Volume 28, Issue 1, 6-11
- Shaw, D.S., Winslow. E.M., & Flanagan, C. (2006), A Prospective Study of the Effects of Marital Status and Family Relations on Young Children's Adjustment Among African American and European American Families. *Child Development*, 70,792-755.
- Spigelman, G. & Spigelman, A. (1992). Analysis of Family Drawing, *A comparison between children from divorce and remarriage*, Vol, 18, 31-39.
- Veltman, M.W.M. & Browne, K.D. (2003) Trained Raters' evaluation of Kinetic Family Drawings of physically abused children, *Journal of The Arts in Psychotherapy*, 30, 3-12.
- Watkins, CE., Campbell, VL., Nieberding, R., Hallmark, R. (1995). Contemporary practice of psychological assessment by clinical psychologists. *Professional Psychology Researches and Practices*; 26: 54-60.